



همراهی کریستنس با «دارث ویدر»

هایدن کریستنس‌ن در مجموعه تلویزیونی «دارث‌ویدر» در نقش شخصیت اوبی وان کنوبی ظاهر خواهد شد. شرکت والت دیزنی تهیه‌کننده این اکشن علمی. تخیلی ماجراجویانه است، که به عنوان اسپین آفی بر مجموعه بسیار پرفروش «جنگ ستارگان» تولید می‌شود. خانم دبورا چو کارگردانی مجموعه را انجام می‌دهد و ایوان مک گرگور بازیگر اصلی آن است. داستان دارث‌ویدر ۱۰ سال بعد از ماجراهای فیلم سینمایی «انتقام سیت» رخ می‌دهد. کلید فیلمبرداری مجموعه ماه مارس زده می‌شود. / ددلاین

دیدار دیرهنگام با «فیوروسا»

جورج میلر اعلام کرد «فیوروسا» برای ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳ روی پرده سینماها خواهد رفت. تا قبل این گفته شده بود این اکشن آینده‌نگرانه، در سال ۲۰۲۱ اکران عمومی می‌شود. شرکت برداران وارنر هنوز زمانی برای شروع تولید فیلم تعیین نکرده است. فیوروسا زانده‌ای بر مجموعه پرفروش «مدمکس» است و آنیا تیلور جوی نقش اصلی آن را به‌عهده دارد. او نقش دوران جوانی فیوروسا را بازی خواهد کرد. / ورایتی

چهره خبرساز

مایکل بی جردن پشت دوربین

ندارد و بهتر همان است که فقط نقش اصلی آن را بازی کند. در این بین، استالونه از انتخاب جردن برای کارگردانی فیلم استقبال کرده و گفته این هنرمند سیاهپوست می‌تواند از عهده انجام وظیفه کارگردانی این اکشن ورزشی برآید. هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری کرید ۳ تعیین نشده و اطلاعی از کم و کیف فیلمنامه آن در دست نیست، اما تسا تامپسون همبازی جردن در دو قسمت قبلی فیلم در سومین قسمت هم حضور دارد و نقش نامزد او را بازی می‌کند. مجموعه موفق کرید اسپین آفی بر مجموعه راکی است و داستان آدونیس کرید پسر جوان آپولو کرید (رقیب ورزشی راکی در مجموعه راکی) را تعریف می‌کند. استالونه در دو قسمت قبلی فیلم در نقش راکی بالبوآ ظاهر شد. او فیلمنامه قسمت دوم را هم نوشته بود. استیون کیپل جونیور کارگردانی این فیلم را به‌عهده داشت. / هالیوود ریپورتر

«بگذار برود»

به‌دنبال جوایز اسکار است

گونه وسترن که قدمتی به اندازه خود تاریخ سینما دارد، این روزها در بین فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان خریدار چندانی ندارد و تعداد اندکی فیلم با حال و هوای وسترن تهیه و تولید می‌شود. بعد از گرایش دوباره صنعت سینما در دهه ۸۰ میلادی به این گونه و ساخت فیلم‌های مطرح و مهمی چون «نابخشوده» و «با گرگ‌ها می‌رقصد»، هنرمندان دوباره به وسترن پشت کردند و تنها هر از چندگاهی، فیلمی در این رابطه ساخته شد. جالب این‌که، اکثر این فیلم‌ها هم به سرعت به دست فراموشی سپرده شدند و این روزها کسی حتی نام آنها را هم به‌خاطر نمی‌آورد. در چنین اوضاع و احوالی و با چنین توصیفی، «بگذار برود» تولید و اکران عمومی می‌شود. گرچه فیلم را بیشتر باید یک درام خانوادگی دلهره‌آور و جنایتکارانه لقب داد، اما سازندگانش روی وسترن بودن آن تاکید دارند. از آنجا که داستان در منطقه‌ای کوهستانی و سرسبز رخ می‌دهد و اسب در آن حضور دارد و دو شخصیت کلانتر و سرخپوست هم در آن پیدا می‌شود، پس می‌توان گفت تماشای با اثری وسترن سرورکار دارا! البته مضمون انتقام و حضور یک غریبه در یک جمع که از مضامین اصلی فیلم‌های وسترن به حساب می‌آید، در داستان بگذار برود هم حضور دارد.

بگذار برود از یک جنبه هم قابل مثال است و همین جنبه است که آن را از بقیه محصولات وسترن جدا و متفاوت می‌کند. با حضور دایان لین در نقش اصلی فیلم، این درام جنایتکارانه تبدیل به وسترنی زنانه می‌شود. این بار به جای شخصیت محوری مرد، یک زن است که تصمیم به انتقام می‌گیرد و مرد خود (در اینجا همسر که اتفاقا کلانتری بازنشسته هم هست) را در سفری مکاشفه‌وار با خود همراه می‌کند. از این منظر، شاید بتوان بگذار برود را با وسترن کلاسیک و تحسین‌شده «جانی گیتار» مقایسه کرد. در این ساخته تحسین‌برانگیز سال ۱۹۵۴ نیکلاس ری که به‌شدت مورد پسند منتقدان قرار گرفت و اینک جایگاه ویژه‌ای در صنعت سینما و گونه وسترن دارد، چون کارفوردر در قالبی وسترن‌گونه در دنیایی که مردان حرف اصلی را در آن می‌زنند، به‌دنبال یک ماجراجویی و انتقامگیری است. البته شباهت‌های دو فیلم به همین محوریت شخصیت زن ختم می‌شود و نمی‌توان بگذار برود را از نظر ساخت و پرداخت با آن وسترن کلاسیک مقایسه کرد. البته باز هم باید به این شباهت بین دو فیلم اشاره کرد که هر دو داستان فیلمنامه‌هایشان را از یک داستان موفق ادبی وام گرفته‌اند. اگر فیلمنامه جانی گیتار براساس داستان کتاب روی چنسلور نوشته شد، فیلمنامه اقتباسی بگذار برود با نگاهی به داستان لری واتسون نوشته شد. کار اقتباس فیلمنامه را خود کارگردان فیلم توماس بزوچا انجام داد. بزوچا برای چهارمین ساخته سینمایی خود طی ۲۰ سال فعالیت سینمایی، برای اولین بار از حضور دو چهره معروف سینما و دریافت‌کننده جایزه اسکار دایان لین و کوین کاستنر استفاده کرد. وقایع داستان فیلم در شهر مونتائای سال ۱۹۶۳ اتفاق می‌افتد، دورانی که هفت تیرکشی و ماجراجویی هنوز در این منطقه رواج داشت و بی‌قانونی و تخطی از قانون امری عادی به نظر می‌رسید. زندگی آرام و بی‌دغدغه جورج بلکلج (کاستنر) کلانتر بازنشسته و همسرش مارگارت (لین)، با مرگ ناپهنگام تنها پسرشان جیمز دستخوش تغییری بزرگ می‌شود. لورنا عروس آنها ازدواج مجدد می‌کند و دانی بووی داماد خانواده به شکلی مرموز لورنا و جیمی (نوه مارگارت و جورج) را به شهری دیگر و دورتر می‌برد که مادر و خانواده‌اش زندگی می‌کنند. مارگارت که نگران جان نوه‌اش است، تصمیم می‌گیرد دانی را پیدا و نوداش را برگرداند. جورج هم با او همراه می‌شود. در مقصد، آنها با بلانش (با

کیکاووس زبازی

سینمای جهان

شخصیت‌پردازی غیرمتعارف

انتقامگیری مختص مردان بود که با «قیصر» (که اتفاقا ادای دینی ایرانی به گونه وسترن است) به صورت مد روز درآمد و آن‌قدر در این رابطه فیلم ساخته شد که ظرافت موجود در ساخته مسعود کیمیایی را هم بی‌رنگ کرد.

آن روزها سینمای روشنفکرانه و غیرمتعارف سینمای ایران، نقش‌های زیادی برای خانم‌ها نداشت و در ساخته‌های کسی چون بهرام بیضایی که مختص ساخت فیلم با محوریت شخصیت زن بود، کسی به‌دنبال انتقامگیری از کسی یا چیزی نبود.

اما همین بهرام بیضایی در دوران بعد از انقلاب و در یکی از پرفروش‌ترین و مطرح‌ترین ساخته‌های خود «سگ‌کشی»، به نوعی انتقامگیری زنانه را به نمایش می‌گذارد. شخصیت زن فیلم که اتفاقا نویسنده‌ای اجتماعی و مطرح هم هست، بعد از آن‌که همسرش را از شر طلبکاران بی‌شمار خود نجات می‌دهد، متوجه خیانتش به خود شده و در دقایق پایانی فیلم فعل انتقامگیری را به انجام می‌رساند. در این بین، البته فریدون جیرانی هم شخصیت‌های خانمی را در تعدادی از فیلم‌هایش دارد که در فکر انتقامجویی هستند، اما اکثر مواقع این انتقامگیری‌ها دلیل قانع‌کننده‌ای با خود ندارند.

از آنجا که وجه غالب درام‌های انتقامگیرانه را شخصیت‌های مرد تشکیل می‌دهند، دیدن زنی که روی پرده سینما به‌دنبال انتقام گرفتن است کمی عجیب به نظر می‌رسد. در نمونه‌های داخلی و خارجی مضامینی از این دست، همیشه یک شخصیت مرد هم در کنار شخصیت زن ماجرا وجود دارد که به یاری او آمده و معمولاً با کمک همین شخصیت مکمل زن انتقامجو در سینمای کشورهای مختلف دنیا هم خودش را به رخ کشیده است. هر چند که معروف‌ترین آنها که چندان هم قدیمی نیست، «بیل را بکشید» کونتینن تارتانیو با بازی اوما تورمن است. البته این فیلم بیشتر از این که وسترن باشد، ادای دینی به سینمای رزمی دهه ۶۰ میلادی آسیای جنوب شرقی است.

زن انتقامگیر در سینمای ایران هم نمود چندانی نداشته است. از آنجا که سینمای قبل از انقلاب ایران سینمایی مرد محور بود و زنان نقش چندانی در داستان‌ها و پیشبرد ماجراها نداشتند، طبیعی است که اصلاً نتوان اثری از زن در فیلم‌ها پیدا کرد، چه برسد به زن انتقامگیر.

شگفتی هفته

سفر سونی به قلب بازی‌های کامپیوتری

شرکت سونی در اقدامی بی‌سابقه خبر از تولید انبوه فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌هایی تلویزیونی می‌دهد، که براساس داستان تعدادی از بازی‌های موفق کامپیوتری ساخته می‌شوند. بعد از تلاش این شرکت فیلمسازی برای تولید نسخه سینمایی بازی بسیار پربیننده «روی نقشه مشخص نشده»، بقیه بازی‌های دنیای پلی‌استیشن هم سر از عالم سینما درمی‌آورند. تونی وینسیکوئرا، مدیر سونی در بیانیه‌ای رسماً خبر این اقدام شگفتی‌آور جدید را اعلام کرد. او گفت ابتدای کار قرار است سه فیلم سینمایی و هفت مجموعه تلویزیونی براساس داستان این بازی‌ها وارد مرحله تولید شود.

به گفته مدیر سونی: «هدف ما اجرای برنامه‌ای است که طی آن، دو دنیای تصویر و پلی‌استیشن را به یکدیگر نزدیک‌تر کنیم. طرفداران این بازی‌ها در سراسر جهان بسیار زیاد هستند و فیلم‌هایی که براساس این بازی‌ها تولید می‌شوند، پتانسیل بالایی برای موفقیت‌های کلان مالی دارند.» با این وجود، وینسیکوئرا نامی از بازی کامپیوتری خاصی نبرد و توضیح نداد کدام بازی‌های کامپیوتری موفق قرار است زودتر از بقیه وارد مرحله تولید شوند. اولین فیلمی که طبق قرارداد جدید وارد مرحله تولید خواهد شد، اواخر بهار سال جاری میلادی کلید می‌خورد.

روی نقشه مشخص نشده که مدتی است کار فیلمبرداری آن آغاز شده، تام هولند مرد عنکبوتی این روزهای عالم سینما را در نقش شخصیت محوری خود دارد. او در قالب جوانی به نام ناتان دراکه در داستان فیلم ظاهر می‌شود. او مردی با توانایی‌های ویژه است که کمک می‌کند تا بتواند با شخصیت‌های خطرناک و شرور ماجرا مبارزه و مقابله کند. روی نقشه مشخص نشده اقتباسی سینمایی از یک بازی بسیار موفق کامپیوتری به همین نام است. فعالیت جدید شرکت سونی در شرایطی است که شبکه اچ‌بی‌او هم مدتی قبل خبر از تولید نسخه سینمایی بازی کامپیوتری پربیننده «آخرین نفر ما» داد. این فیلم برای اواخر سال جاری میلادی به صورت استریم و زنده، پخش اینترنتی خواهد داشت. / موویر

چینی‌ها سینما را تسخیر می‌کنند



نمایش از فیلم سینمایی «هشتصد»

با پایان یافتن سال ۲۰۱۹ و اعلام رقم فروش محصولات سینمایی در کشورهای مختلف جهان، مشخص شد گیشه نمایش سینماهای چین پربرازترین جدول گیشه را داشته است. در شرایطی که سالن‌های نمایش در آمریکای شمالی بسته ماند و تماشاگران استقبال چندانی از فیلم‌های روی پرده نکردند، تماشاگران چینی سال بسیار خوبی را برای صنعت سینمای خود و سینماداران فراهم کردند. به گفته تحلیلگران اقتصادی سینما، ۲۰ درصد رقم فروش محصولات سینمایی متعلق به چین بوده است. فروش فیلم‌های سینمایی در این کشور آسیایی از اول ژانویه ۲۰۲۰ تا ۳۱ دسامبر ۲/۳ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که فروش فیلم‌های سینمایی در همین مدت در سال ۲۰۱۹، بالای ۱۱ میلیارد دلار بود. با این وجود، اهل فن از رقم فروش فیلم‌ها در سالی که گذشت راضی و خشنود به نظر می‌رسند و در دورانی که کرونا تمام کسب و کارها را تعطیل و ضررهای جبران‌ناپذیر مالی به تمام صنوف اقتصادی وارد کرد، صنعت سینما در چین ضرر و زیان کمتری کرد و توانست بهتر از بقیه رشته‌های اقتصادی عمل کند.

طبق آمارهای رسمی منتشر شده، فروش کلی فیلم‌های سینمایی در سال ۲۰۲۰ در سطح جهانی بین ۱۱/۵ تا ۱۲ میلیارد دلار بوده است. مقایسه این رقم با رقم فروش جهانی ۴۳ میلیارد دلاری فیلم‌ها در سال ۲۰۱۹، به‌خوبی نشان می‌دهد که شرایط چقدر اسفناک و فاجعه‌بار بوده است. درام جنگی و میهن‌پرستانه «هشتصد» ساخته هو گوان با فروش دور از انتظار و کلان ۴۴۰ میلیون دلاری نه‌تنها پرفروش‌ترین فیلم سال چین که پرفروش‌ترین فیلم سینمای در سراسر جهان شد. در نبود بلاک باسترهای هالیوودی، این درام جنگی توانست خود را به‌عنوان موفق‌ترین محصول سینمایی سال معرفی کند. چند فیلم دیگر چینی هم توانستند فروش‌هایی بالای ۲۰۰ میلیون دلار در جدول گیشه نمایش بکنند و سال ۲۰۲۰ را به‌عنوان سالی برای خود نامگذاری کنند. البته از انیمیشن فانتزی «شکارچی هیولا» هم باید اسم برد که در کمال تعجب همگان توانست فروش بسیار بالایی در سینماهای ژاپن داشته باشد. در حالی که هیچ کشوری در سطح جهانی نتوانست خود را از مشکلات مربوط به کووید - ۱۹ برهاند، سینماهای چین با ۲۰ درصد ظرفیت خود به کارشان ادامه دادند. / بکاس آفیس